

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۵، چهارشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۵۸  
شماره ۱۵ ریال

## امریکائی‌ها بالاخره می‌روند یا نمی‌روند؟!

ملت ایران به خوبی می‌داند که در سال‌های سیاهی که پشت سر گذاشته‌ایم، امریکا و عمالش در خیانت‌بارترین عملیات شاه و دربار دست داشته‌اند و در پشتیبانی از رژیم خونریز شاه یک لحظه غفلت نکرده‌اند. حضور کثرت‌ترین مهربان‌های سیاسی - جنایی امریکا در ایران به عنوان سفیران آن کشور، خود بهترین گواه است و این نازه حیاتی جدا از حساب جاری مأموران ویژه امریکا است که بی‌وقفه در ایران بوده‌اند و علیه انقلاب مردم بقیه در صفحه ۴

## پیش به سوی برگزاری اول ماه مه



## سرمقاله درود بر دادگاه‌های انقلابی

وقته‌ای که در کار دادگاه‌های انقلابی ایجاد شده بود بر طرف شد. این دادگاه‌ها بر کارشکنی‌هایی که از محافل شناخته شده آب‌می‌خورد فائق آمده و کار پراج انقلابی خود را از سر گرفتند. این خود پیروزی بزرگی است که باید به بنیانگذاران این دادگاه‌ها و قضات و کارمندان فداکار آن تبریک گفت.

در گذشته، تصمیمات دادگاه‌های انقلابی همان‌قدر که با استقبال توده مردم ایران روبرو شد از طرف محافل معینی در داخل و خارج مورد انتقاد قرار گرفت. انتقادکنندگان طبق معمول می‌گوشیدند عقیده واقعی و باطنی خود را پنهان کنند و به جای بحث درمحتوی، شکل کار دادگاه‌ها را دستاویز قرار دهند. آنان از این که دادگاه‌های انقلابی آئین‌نامه تصویب شده ندارند، جریان دادگاه‌ها علنی نیست، متهمین و کیل مدافع ندارند و غیره شکایت می‌کردند. ولی در واقع همه این‌ها دستاویز بود. اختلاف درباره دادگاه‌های انقلابی بهیچوجه بر سر آئین‌نامه و طرز کار آنها نیست، بر سر محتوای کار این دادگاه‌ها، و بر سر ارزیابی رژیم سابق است. مسئله اینست که آیا رژیم سابق واقعاً خائن به منافع مردم ایران می‌شناسیم و می‌خواهیم این رژیم را ریشه‌کن کنیم یا نه؟

اربابان رژیم سابق مخالف ریشه‌کن کردن آنند. سفارت امریکا در ماه‌های آخر انقلاب تلاش فراوانی به کار برد تا شاید نبرد بزرگ انقلابی مردم ایران را باسازشی در بالا پایان دهد. بختیار برای آن روی کار آمد که این سازش را انجام داده و ساواک و ارتش و ژاندارمری را حفظ نماید و بخشی از نیروهای ضد رژیم را به آشتی بکشاند. این نقشه در آن زمان نقش بر آب شد ولی طراحان آن‌مابوس نشد و دست از تعقیب آن برداشته‌اند. آن‌هایی که در زمان بختیار دورخیز برداشته بودند که آشتی کنند، کسانی که آنروز رابط بختیار - یعنی سفارت امریکا - با جنبش بودند هنوز در تلاش و کوشش‌اند. آن‌ها می‌خواهند آنچه را که هنوز نجات دادنی است نجات دهند.

اختلاف بر سر کار دادگاه‌های انقلابی از اینجا حاصل می‌شود. کار این دادگاه‌ها بر این مبنای انقلابی استوار شده که رژیم سابق فاسد، جنایت‌کار و خائن به منافع خلق بود. این رژیم به منافع ملی خیانت می‌کرد. کارگر امریالیسم در مین ما بود و بنابراین مهره‌های اصلی آن رژیم ممکن نیست در این خیانت سهیم نباشند. در سال‌های شوم بقیه در صفحه ۴

## ما چه می‌گوئیم: سالم‌سازی اقتصادی و استقلال اقتصادی و

مسئله این است که این مناسبات و این استفاده بر چه پایه‌ای استوار باشد. برابری حقوق و نفع متقابل - چنین است اصلی نه می‌باید پایه این مناسبات قرار گیرد. و این درست همان چیزی است که در رژیم گذشته وجود نداشته است. آیا لازم به یادآوری است که از آشفتنگی و ورشکستگی اقتصادی کشور ما، کسوری که هم از نظر منابع طبیعی غنی است و هم انسان‌های با استعداد و زحمتکش دارد، نتیجه انعقاد قراردادهای نابرابر و اسارت‌آور اقتصادی، بازرگانی، مالی و فنی با کشورهای امریالیستی است؟ نتیجه آنتست که منابع ثروت ما، و قبل از همه نفت ذقیمت ما، و حاصل کار مردم زحمتکش مین ما را به غارت برده‌اند و به جای آن اسلحه و کالاهای بی‌نجل تحویل داده‌اند؟ نتیجه آنتست که امریالیستها و عمال رژیم سابق، اقتصاد ما را چنان به اقتصاد سرمایه‌داری امریالیستی پیوند زده‌اند که هم تمام عواقب شوم بحران‌ها و آشفتنگی‌ها و نابسامانی‌های جهان امریالیستی مستقیماً بر اقتصاد ما تأثیر می‌گذارد و هم شریان‌های حیاتی ما در اختیار امریالیستهاست. به طوری که بدون آن‌ها آب‌هم نمی‌توانیم بخوریم. آیا لازم به تأکید است که با ادامه این تسلط و وابستگی و حتی حفظ بقایای آن، بهر شکل و بهانه، سخنی هم از استقلال اقتصادی کشور، از سالم‌سازی اقتصاد ملی و رفاه عمومی نمی‌تواند در میان باشد؟

اقتصاد ما آشفته و ورشکسته است. در اینجا محبت البته بر سر نابسامانی‌هایی نیست که در دوران اخیر، در جریان مبارزه برای سرنگونی رژیم سابق، به ناچار پیش آمده. سخن بر سر سیاست اقتصادی رژیم گذشته است که اقتصاد ما را اسفند و ورشکسته کرده. از این نه این آشفتنگی و ورشکستگی به‌طور عمده نتیجه‌سلسط امریالیسم، به سرکردگی امریالیسم امریکا، بر لویه سنون اقتصادی کشور و در نتیجه وابستگی اقتصادی ما به سرمایه‌داری امریالیستی بوده‌است. ظاهراً کسی تردیدی ندارد. و از این‌طور است، از وقت به این سؤال که شرط اساسی و ضروری برای پایان دادن به آشفتنگی و ورشکستگی اقتصادی و تأمین استقلال اقتصادی و سالم‌سازی اقتصاد ملی چیست، پاسخ ساده و روشنی می‌توان داد: می‌باید سلسط امریالیسم را بر لویه سنون اقتصادی کشور ریشه‌کن ساخت. ولی متأسفانه مسئله به این سادگی نیست، بویژه آنجا که مربوط به سیاست اقتصادی دولت موقت انقلابی می‌شود. زیرا از یک سو دولت برنامه جامع و مشخصی در زمینه تأمین استقلال اقتصادی و سالم‌سازی اقتصاد ملی ندارد، و از سوی دیگر آنجا که اقدامات مشخص و عملی برای از بین بردن پایه‌های امریالیسم در اقتصاد کشور مطرح می‌شود، معامات دولتی غالباً از نارمسئله اساسی می‌گذرند و مسائل دیگری را مطرح می‌سازند که حیرت‌انگیز و تأسفور است. از جمله می‌گویند: ما به سرمایه‌خارجی، به بازرگانی خارجی، به تکنولوژی خارجی و به دانش‌س خارجی احتیاج داریم و نتیجه می‌گیرند که نمی‌توان همه مناسبات را با کشورهای سرمایه‌داری قطع کرد و بناچار باید از این کشورها نیز برای پیشرفت اقتصادی کشور استفاده کرد.

چگسی گفته‌است می‌باید مناسبات اقتصادی و بازرگانی را با کشورهای سرمایه‌داری قطع کرد؟ چه کسی گفته است که از این مناسبات نباید برای پیشرفت اقتصادی کشور استفاده کرد؟ و آیا اصولاً می‌توان در دنیای ما یک اقتصاد درسته ساخت؟ پس مسئله ایجاد و گسترش مناسبات و استفاده از آن برای پیشرفت اقتصادی کشور نیست. ما خود هوادار ایجاد و گسترش مناسبات اقتصادی و بازرگانی با همه کشورهای جهان، صرف‌نظر از تفاوت در نظام‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آنها هستیم.

پس برای تأمین استقلال اقتصادی کشور، برای سالم‌سازی اقتصاد ملی، برای رفاه عمومی و پیشرفت اجتماعی قیل از هر چیز و به‌طور مشخص می‌باید: تمام قراردادهای نابرابر و اسارت‌آور اقتصادی، بازرگانی، مالی و فنی با کشورهای امریالیستی را بلافاصله لغو کرد و مؤسسات صنعتی، کشاورزی و مالی امریالیستی و کارگران ایرانی امریالیسم را بلافاصله ملی کرد. فقط در این صورت است که می‌توان پایه سالم و محکم برای عملی ساختن طرح‌های مشخص دیگر به‌منظور پیشرفت صنعت و کشاورزی، به‌منظور رفع نیازمندی‌های مادی و معنوی مردم ایجاد کرد. فقط در این صورت است که می‌توان زمینه را برای انعقاد قراردادهای برابر حقوق و نفع متقابل با همه کشورهای فراهم ساخت و از آن‌ها برای پیشرفت اقتصادی کشور استفاده کرد.

## چرا با یمن دموکراتیک و کوبا هنوز رابطه سیاسی برقرار نگرده‌ایم؟

جانب‌داری این دو کشور از نیروها و جنبش‌های انقلابی در ایران، فلسطین و قطار و مبارزه این کشورها با سیاست‌های تجاوزگرانه امریالیسم و ایادی آن یعنی دولت‌های ارتجاعی حوزه خلیج فارس و اقیانوس هند و خاورمیانه بود. این جهت‌گیری به‌خودی خود داروسته شاه مطرود را، به‌منابه زاندارم امریالیسم در منطقه، در برابر این دو کشور و دیگر نیروهای مترقی قرار می‌داد. گوشه‌ای از این واقعیت در اطلاعیه وزارت خارجه ایران در تاریخ ۱۹ فروردین‌ماه ۱۳۵۵، که دلیل قطع مناسبات سیاسی با کوبا را اعلام داشته، به‌نحو روشنی ظاهر شده است. در این اطلاعیه، که بیشتر بیک بهانه‌تراشی کودکانه شبیه است تا دیپلماسی یک دولت مشغول، دلیل قطع رابطه سلام‌های برادرانه حزب کمونیست کوبای انقلابی و شخص فیدل کاسترو به‌همه خلق‌ها و مردم زحمتکش ایران و آرزوی موفقیت برای پیشرفت مبارزات ضد امریالیستی، استقلال‌طلبانه و آزادخواهانه مردم ایران و حزب توده ایران؛ توصیف شده است.

دست به‌سبب همین خصمت ضد امریالیستی و دموکراتیک دولت‌های کوبا و یمن دموکراتیک، که با خواست‌ها و آرمان‌های خلق‌های ایران انطباق کامل داشته و دارد، و با وظایف و هدف‌های انقلاب ما وجوه مشترک می‌باید، ایجاد روابط دیپلماتیک و گسترش مناسبات دوستانه در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با یمن دموکراتیک و کوبای سوسیالیستی در دستور روز سیاست خارجی دولت موقت قرار دارد. مردم ایران پس از واژگون کردن بساط سلطنت متنی که امریالیسم، در وجود کشورهای نظیر یمن دموکراتیک و کوبا متحدان طبیعی خود را می‌یابد. این واقعیتی است که چرخش اساسی در مجموعه سیاست‌های اقتصادی و نظامی و اجتماعی و فرهنگی رژیم سرنگون شده، بدون درگونی ریشه‌های سیاست خارجی این رژیم، نه‌جندی است و نه به‌صورت نهادهای نوینی می‌تواند واقعیت‌یابد.

## این گوی و این میدان

در هفته‌ای که گذشت آقای مهندس بازرگان نخست‌وزیر دولت موقت انقلابی طی یک محاجه مطبوعاتی و سپس در یک پنجم طولانی رادیو-تلوویزیونی نظر خود را نسبت به بسیاری از مصائب اساسی بیان کرد. روزنامه‌ها تا حدود زیادی از گزارش‌های نخست‌وزیر گنشنده، خواندی هم که پس از بیانات نخست‌وزیر روی داد آن‌ها را بیش از پیش بیرون کرد و از آنرا انداخت ولی با این حال چسا دارد و ضروری است که به‌صورتی نخست‌وزیر برآوردیم. اندیشه اصلی پیام رادیویی نخست‌وزیر که مانند خط‌خطی از خلال بیانات طولانی او می‌گذشت، این بود که بنای رژیم سابق را نباید توبیذ. این کارنامت جونی‌است. توقف در گذشته است. باید پارت‌سنگین گذشته را از دوش‌ها انداخت تا سبب‌های پیش رفت. انبار ندیم که در این زمینه چهرات زیادی فراوانی می‌تواند و به‌فرهنگ و ادب ریشه‌دار ایرانی است که می‌تواند نوسل جست که در عودندی هم در آن تمام نیست.

ولی آیا واقلاً مسئله بر سر انتقام است؟ آیا آقای مهندس بازرگان واقلاً از این نقطه حرکت می‌کند که کینه و نفرت را کار یک‌گذاردیم؟ متأسفانه نه! انتقام پیام رادیویی آقای بازرگان به‌هیچ‌وجه حاوی رفت قلب نبود. برعکس از خلال تمام جملات و کلمات ایشان اگر کینه نگوئیم لااقل





نامه وارده

# توطئه علیه کارگران شریف صنعت ذوب آهن این تنها صنعت مادر کشور (صنایع سنگین کشور)

روزنامه گرامی مردم با توجه به این که آن جریده شریفه طرفدار طبقه کارگر و منافع آن است و با توجه به توطئه‌ای که در خفا علیه کارخانه و کارگران فوق در شرف تکوین است امر به اطلاع شما می‌رسانیم.

روزنامه کیهان در شماره مورخ ۱۶ فروردین در صفحه آخر خود از قول وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت اسلامی جناب آقای بازرگان درباره ذوب آهن اصفهان چنین گفته است:

ذوب آهن ایران در حال حاضر بهشت زان می‌دهد و در هرام برای دولت ۲۵۰ میلیون تومان (یعنی سالی ۳۰۰۰ میلیون تومان) ضرر دارد.

این جناب با توجه به آشنایی که به امور میلان واحد فوق که بیش از ۶۰ هزار کارگر را (کالا) دربر می‌گیرد پادآوری می‌نماید.

طبق میلان سال مالی ۱۳۵۶ که اخیراً به تهران ارسال شده کل واحدهای تابعه ذوب آهن علی‌رغم سود استهلاک‌هایی که در آن شده فقط ۱۷ میلیون تومان ضرر داشته یعنی کمتر از ۱ درصد مورد ادعای جناب آقای وزیر اقتصاد و دارایی اما علت این ضرر در ارقام زیر مشخص می‌شود:

۱. واحد فوق در سال مالی ۱۳۵۶ کلاً ۲۳ میلیون تومان بهره وام به‌بانک ملی داده است.
۲. واحد فوق ۳۷ میلیون تومان به‌شرکت ذوب آهن آریا که واسطه فروش بوده حق دلالتی داده (یعنی همان‌طور که کسریوسم واسطه فروش نفت ما بود و دولت انقلابی آن‌ها را کنار زد که بی‌حقوق دلالتی و حق و حساب نکیرند و خود مستقیماً به‌بخریداران فروخت).
۳. در سال فوق ۳ میلیون تومان به‌بهره‌برداران شهرام نازشمت داده شده. کل ۱۳۶ میلیون تومان می‌شود که بایک عمل ساده تفریق معلوم می‌شود واحد فوق در سال ۱۳۵۶ نه تنها ضرر نداشته بلکه ۴۶ میلیون تومان نیز سود داشته است. ضمناً پادآوری می‌نماید در سال مالی فوق ذوب آهن رقم درشت ۳۵۰ میلیون تومان استهلاک برکت داده است. همچنین در سال فوق با حدود یک چهارم ظرفیت نهائی مرحله خود کار کرده است. اگر این‌ها را در نظر بگیریم متوجه خواهیم شد واحد فوق بسیار مفید و سودآور خواهد شد.

من به‌عنوان یک ایرانی از آقای مهندس بازرگان که خود یک تکنوکرات متعجب می‌کند چگونه اجازه می‌دهند وزیر دارایی و نیز سخنگوی دولت ایشان علیه این صنعت مادر تبلیغ نمایند. آیا آقای مهندس بازرگان کمتر از شاه خائن به‌اهمیت صنایع مادر و بخصوص ذوب آهن آشنا هستند؟

آیا آقای مهندس بازرگان نمی‌دانند که استعمارگران انگلیسی، آلمانی و اخیراً آمریکایی مرتباً از قول متخصصین مزدور خودشان می‌گفتند ذوب آهن به‌در ایران نمی‌خورد و ضرر خواهد داد بهتر است ایران کشاورزی باقی بماند و به‌توسعه آن بپردازد و آهن را حاضر و آماده از غرب بخرد و از این قبیل ترهات و آنان در ۲۰ سال گذشته حاضر به‌ساختن ذوب آهن نشدند و مرتباً علیه آن حتی پس از ساخته شدن از تبلیغ دست برداشتند.

این جانب از گفتار وزیر دارایی و سخنگوی دولت انقلاب خیلی متعجب می‌کند. تعجب من بیشتر از این است که آقای وزیر دارایی سرمایه‌گذاری‌های ایران را در خارج بخصوص در کرب و بابلکوک مطرح کرده آن‌ها را سودآور اعلام می‌فرمایند و هیچ به‌خطر نمی‌آورند که حتی در زمان قدرت شاه سابق خیرنگاران آلمانی او را مسخره می‌کردند که سهام یک شرکت ضرر دهنده را چرا گرفته (خریده) است و شاه به‌آن‌ها می‌گفت باشد داشتن سهام کرب و بابلکوک به‌ضرر آن می‌آورد و نیز شاید دریافت سود بدهد و حالا به‌قول آقای وزیر دارایی دولت انقلاب، آن‌ها سودآور شده‌اند و لسی ذوب آهن این صنعت مادر که در آن بیش از ۶۰ هزار کارگر و متخصص خاک وطن را به‌فولاد یعنی قدرت مملکت تبدیل می‌کنند ضرر می‌دهد! در صورتی که نمی‌دهد زهی تأسف و تکرانی از اعمال چنین مردان که خود را وزیر دولت انقلاب می‌نامند. امیدوارم آقای مهندس بازرگان جلوی چنین وزیران همسدا با استعمارگران را هرچه زودتر بگیرد.

ب. داداش‌زاده

# فاتو، خواب‌های تازه‌می‌بیند

در سیمین سالگرد تاسیس پیمان فاتو، یک‌بار دیگر نقش این پیمان نظامی امپریالیستی در خفه‌کردن آزادی درجهان و پایمال کردن استقلال کشورها، برجسته‌تر از همیشه خودنمایی می‌کند. این پیمان از ۳۰ سال پیش به‌جهان داغ از اروپا در برابر خطر موهوم حمله شوروی تشکیل شد، از همان آغاز تولد نشان داد که نه‌یک پیمان دفاعی، بلکه چماقی در دست امپریالیسم جهان‌خوار است. فاتو، بویژه در سال‌های اخیر، با دامن‌زدن به مسأله تسلیحاتی، تهدیدچنگ سره، قرار دادن جهان در لبه پرتگاه جنگ هسته‌ای، با روند تسخیرراندی در ملج و مضمون طبیعی روزگار ما است، در تضاد آشکار قرار گرفته است. این‌خصوصیت با مضمون دوران ما، پیمان ناتو را به‌سورت پدیده منسوخ درآورده که کابوس آن برجهان معاصر سنگینی می‌کند و در کین امید و آرزوی میلیون‌ها انسان تشنه‌ملح و عدالت و آزادی است.

ناتو از بدو تاسیس تا به‌امروز، در معیت آمریکا، ۱۱۵ بار علیه ملت‌ها در گوشه و گوشه دنیا به‌تجاوز پرداخته‌است. در حالی که واقعیت وجود ۷ میلیون بیکار در اروپای غربی و آمریکا و فقر و تورم و هزینه‌های روزافزون زندگی برگرفته شده‌های میلیونی در ممالک غربی سنگینی می‌کند، هزینه نظامی ناتو اسما به ۱۰ برابر نخستین سال تاسیس آن رسید.

ژنرال الکساندر هیگ فرمانده سابق امریکائی ناتو اخیراً اعلام کرد که در نظر است کنوورهای جدیدی به‌عزویت پیمان ناتو پذیرفته شوند. به‌این ترتیب ناتو عملاً بر قلمرو نفوذ خود می‌افزاید. ناظران غربی معتقدند ناتو برآنت‌تسا دامنه نفوذ خود را به‌افزایش بکشد. اوج‌گیری بی‌وقفه جنبش‌های آزادی بخش در قاره سیاه علیه امپریالیسم نمایندگان مجلس آن و تهاجم گسترش یابنده به‌آخرین ده‌های ژنرالپرستی و نژادپرستی مبارزه، دلیل علاقه‌مندی ناتو به‌افزایش است. تازه آن را علیه ملت‌های این قاره پررب و تاب برلا می‌کند. ناتو در سال‌های اخیر با مسیحه‌گری‌های آشکار و نهان و حتی دخالت بی‌پرده در رویدادهای آنکول، ژنر، خاورمیانه و فلسطین، بنگلادش، پاکستان و غیره و در دفاع از مترسک‌های رسوایی نظیر شاه مفسرود

# سازمان امنیت جدید کار خود را با فعالیت ضد کمونیستی آغاز کرده است

ساواک با دستگیری و پشتیبانی «سیا» به‌جدید سازمان پرداخته و فعالیت‌پنهانی خود را برسد انقلاب آغاز کرده است. و این‌را همه می‌دانند. بویژه به‌برکت افشاکری «مردم». ولی متأسفانه دولت به‌جای مقابله جدی و قطع با این پدیده خطرناک سرگرم تکتیک سازمان امنیت جدید است. و این سازمان امنیت هم نخستین کار خود را با فعالیت ضد کمونیستی آغاز کرده است. و این‌را هنوز همه نمی‌دانند.

ایران و سلطان قابوس و اورنساتاد و هم‌پالک‌های آن‌ها و سرهم‌پندی‌کردن پیمان‌های تجاوزگری نظیر سنتو، فلسفه وجودی خود را به‌روشنی تشریح کرده است.

بودجه ناتو برای ۵ سال آینده ۵۵۰ میلیون دلار بیش از مجموع بودجه ۳۵ سال گذشته است. این واقعیت، با توجه به‌ماهیت این پیمان به‌منابه ابزار دست کمیلک‌های نظامی - صنعتی غرب، معنی واقعی خوابی را که امپریالیسم در وجود ناتو برای جنبش‌های آزادی‌بخش و تلاش‌ها و خواست‌های مترقی خلق‌ها و نیروهای طرفدار صلح و عدالت دیده است، تفسیر می‌کند. بی‌جهت نیست که درست در پیچیده تهاجم بربرمنانه‌چین

با انحلال زلده نظامی ناتو، یعنی پیمان سنتو، که تاکنون نقش پایگاه امپریالیسم را در کشور ما و نیز منطقه ایفا می‌کرد، وظایف مستقیماً به‌دوش ناتو افتاده است. تلاش امپریالیسم و به‌وزره امپریالیسم آمریکا برای مقابله با انقلاب ایران، که موازنه سیاسی و نظامی منطقه را به‌هم زده و برگرداندن آن رفه به‌جوری، در واقع قسمت دیگری از آن خوابی است که ناتو در تکابوی تعبیر آن در کشور ما، وجود حتی گروهی مستشاران نظامی آمریکا در ایران، که ماهیت و وظیفه آن‌ها در کنوورهای نظیر ما بر هیچ‌کس پوشیده نیست، با توجه به‌خواه‌ها و پندارهای ناتو، به‌منجنگ‌تری عمیق محافل و نیروهای آزادیخواه و ملی حنی دامن می‌زند. زیرا واقعیت حاسی‌که این‌است که کارشناسان و مستشاران امریکائی تاکنون هرگز به‌فقد خدمت یاری به‌عید کنوری اعزام نشده‌اند.

# دو مصاحبه با رفیق علی خاوری

هفتم فروردین در دفتر مرکزی حزب توده ایران مصاحبه‌ای بین عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران رفیق علی خاوری و روزنامه «اوانیتا» ارگان مرکزی حزب کمونیست ایتالیا و رفیق علی‌خاوری عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران مصاحبه‌ای انجام شد. طی این مصاحبه مسائل مربوط به‌فراتنوم، انتخابات مجلس یازدهم، قانون اساسی و مسائل مربوط به‌رویدارمی کارگران و زحمتکشان مطرح گردید.

در مورد حکم صدر دادگاه مایوسی نسبت به‌پرورنده هویدا نظر حزب توده ایران چنین است که این دادگاه‌های ضروری‌است و از لحاظ حقوقی خود انقلابی و مورد تأیید حزب توده ایران است ولی لازم به‌تذکره می‌باشد که دادگاه علنی و جریان آن از طریق رادیو و تلویزیون به‌نظر الکتر عمومی داخل و خارج برسد تا عموم مردم به‌خسری و هرچه روش‌تر به‌جنایات جنایت‌کاران و خیانت‌کاران به‌مردم و کشور باخبر شوند. در مورد قانون اساسی آینده و این‌که چرا حزب توده ایران با برقرارد رئی مثبت داده است و نیز نظر حزب توده ایران نسبت به‌حق خودمختاری اقتصادی ملی استفسار شد. در پاسخ یادآوری شد که حزب توده ایران نسبت به‌بلایون ملی آینده به‌تفصیل

# پیوندتان مبارک

- پیوندتان مبارک
- ای خلق رنجبر
- وصلت‌مان فرخنده
- ای حزب توده‌ها
- من در تو بازش شکتم
- اینک به‌هشدارت
- تا مردم زود و زور
- در خانه درکلاسی
- در گوشه و کنار
- در گوش مادرم
- همراه خواهرم
- یا برادرم
- همراه بزرگم
- در کار و در ستیز
- با شعر یا سرود
- آزادی سوخت را
- فریاد، خواهرم کرد
- آ
- ز
- ا
- د
- ی

مقامات دولتی در پاسخ ایران تکراری به‌جا و عمیق مردم نسبت به‌آن‌سول‌انگاری و این تلاش، می‌گویند: مگر یک کشور می‌تواند بدون سازمان امنیت باشد؟ و می‌افزایند که وظیفه سازمان امنیت جدید فقط مقابله با فعالیت‌های جاسوسی است. ولی متأسفانه واقعیت چیز دیگری است و لذا این پاسخ به‌خاطب بحث بیشتر شبیه است تا کوشش واقعی برای رفع تکراری مردم.

مسل است که هرکشوری برای مقابله با فعالیت‌های جاسوسی احتیاج به‌سازمانی دارد. تکراری مردم از وجود چنین سازمانی نیست. تکراری مردم اولاً از تجربه تاریخی است که دارند. مگر ساواک سازمان ضد جاسوسی بود؟ و مگر ساواک درست جاسوسان و جنایت‌کاران «سیا» «سواد» و نظیر این سازمان‌های جاسوسی امپریالیستی را برمیهن ما مسلط نکرد و تمام نیروی اهریمنی خود را بر ضد مردم ایران و حفظ یک رژیم سرپا خیاخت، جنایت و فساد به‌کار نبرد؟ نانی مردم می‌بینند که دولت، به‌رغم هنداره‌های بی‌دری محافل ملی، دمکراتیک و مترقی، تلفظ با جدیت و قاطعیت به‌دوهم‌رکنش ساواک، به‌سرکوبی سازمان‌زیرزمینی ساواک، به‌تعمیر، محاکمه و مجازات عمال اصلی ساواک، به‌تعمیر گذاردن توطئه‌ها، تریاک‌ها و خرابکاری‌های جاسوسان رنگارنگ امپریالیستی نمی‌پردازد، بلکه به‌این وظیفه عاجل و اساسی با سهل‌انگاری می‌نکند. نالنا اینک مردم آگاه می‌شوند که سازمان امنیت جدید نخستین کار خود را با فعالیت ضد کمونیستی آغاز کرده است. و چون طبق تجربه تمام تاریخ معاصر، هرگونه یورش به‌حقوق و آزادی‌های دمکراتیک مردم، هرگونه توطئه برسد انقلاب و محاکمیت سیاسی، با هجوم به‌کمونیست‌ها، چه در زمینه سیاسی و تبلیغاتی و چه در زمینه انسانی و سازمانی، آغاز شده است. آن‌وقت مردم و همه محافل، احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های ملی، دمکراتیک و مترقی حق دارند که در برابر چنین پدیده‌ای عمیقاً نگران شوند.

طبق اطلاعات موقتی که به‌دست رسیده، هم‌زمان با تشدید تبلیغات ضد کمونیستی، هم‌اکنون کنترل خانه‌ها، تلفن‌ها و فعالیت‌های اعضا و هواداران حزب ما همچنین عدای از سازمان‌ها، شخصیت‌ها و عناصر صلیق و امیل انقلابی، به‌کار انداخته‌اند، نیز تشدید جنبش انقلابی مردم ایران است که در برنامه‌های جز متوقف ساختن انقلاب در نیمه‌راه ندارد.

در آنچه که مربوط به‌حزب ماست باید تأکید کنیم که حزب ما از حق قانونی و تردید ناپذیر خود برای شرکت علنی و فعال در تحکیم دست‌آوردهای انقلاب و نوسازی جامعه، برای دفاع از حقوق و آزادی‌های دمکراتیک مردم و همه احزاب و سازمان‌های ملی، دمکراتیک و مترقی، صرف‌نظر از انتقالات سیاسی و اقتصادی که به‌زمان مردم و انقلاب است، استفاده خواهد کرد.

در همانحال حزب ما هشدار خود را در این زمینه به‌دولت موقت انقلابی و همه احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های ملی، دمکراتیک و مترقی تکرار می‌کند و تأکید می‌کند که میدان دادن به‌تبلیغات و فعالیت‌های ضد کمونیستی، بویژه اگر رسمی باشد، سرانجام دوش به‌شتم همه خواهد زد، حتی چشم کسانی که تصور می‌کنند تا به‌وسیله می‌توانند قدرت خود را تحکیم کنند. آرزوهای تلخ گذشته را باید دوباره آزمون.